

سه‌شنبه • ۱۹ اسفند ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۵۷ • ۹

روزنامه شرق	
هنر • علم • زاویه	
ریشه‌هایی که در خاک ایران زمین استوار است	صفحه ۱۰
دیپاچه‌ای بردستاوردهای علمی و تحقیقاتی مهندس «نبوی»	صفحه ۱۰
انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران همچنان دربرخ	صفحه ۱۲

تماشاخانه

روزهای تئاتری پایتخت

رضا آشفته؛ در روزهای پایانی سال۹۳ شاهد اجراهای بسیاری در تالارهای پایتخت سستیم و رقم‌ها و آمارها دالت بر علاقمندی به تئاتر دارد. شاید بشود امیدوارانه‌تر این مسیر را با کیفیت پیش برد که اگر این هم محقق شود، آنگاه شاهد مخاطبان فرهیخته‌ای خواهیم بود که هر هفته به دیدن تئاترهای دیدنی و تامل‌برانگیز می‌روند. سال‌های تئاتر تهران در نیمه اسفند، چون خیابان‌های شهر شاهد جنب‌وجوش بسیاری هستند؛ چرا که آخر این هفته، ۳۹ نمایش پذیرای تماشاگران خواهند شد. تالار چهارسو، میهمان نمایش «مانوزز»، نوشته هاینر مولر و کار ناصر حسینی‌مهر است. این نمایش ه‌رشب ساعت ۱۹:۳۰ اجرا می‌شود. «کابوس شب نیمه آذر»، نوشته ایوب آقاخانی و کار علی کشوری ساعت ۱۹ در تالارسایه تئاترشهر روی صحنه می‌رود. نمایش «شیزنامه بیچاره رستم‌آبادی»، به نویسندگی محمد مساوات و کارگردانی محمدعلی نوروش ه‌رشب ساعت ۱۹:۳۰ در تماشاخانه سنکلیج اجرا می‌شود. نمایش «بایز»، نوشته و کار نادر برهانی‌مرد، ساعت ۱۹:۴۰ میهمان تالار ناظرآده‌کرمانی تماشاخانه ایران‌شهر است. همچنین حسین پاکدل، ه‌رشب ساعت ۲۰ در تالار استاد سمندریان، نمایش «یک‌صبح‌تا‌کهان» را اجرا می‌کند. خانه نمایش اداره تئاتر از چهارشنبه ۱۱اسفند، ساعت ۱۸:۳۰، میزبان نمایش «تک‌سرایه»، نوشته و کار عباس عبداللّه‌زاده می‌شود.نمایش آئینی «غبار»، به نویسندگی انوش معظی و کارگردانی محمدرضا مداحیان، ویژه ایام فاطمیه ه‌رشب ساعت ۱۸:۳۰ در تالار وحدت اجرا دارد. نمایش «بیرون پشت در» نوشته ولگانگ بورشرت و کار ایمان اسکندری ه‌رشب ساعت ۱۹:۳۰ در تالار حافظ اجرا می‌شود. تماشاخانه باران هم به دلیل استقبال تماشاگران، اجرای دونمایش خود را تا پایان سال تمدید کرده است. در این تماشاخانه، نمایش‌های «آخرین نامه» به نویسندگی و کارگردانی مهرداد کورش‌نیا ه‌رشب ساعت ۱۸ و «سیستم کرون‌هلم»، نوشته جوردی کالجران و کار علیرضا کوشک‌جلالی ساعت۲۰ روی صحنه می‌روند. تالار هنر ساعت۱۸ میزبان نمایش «خیاط کوچولوی شجاع»، نوشته اوراند هریس و کار محمد صمدی می‌شود و همچنین ساعت ۱۹:۴۰ نمایش «نیتسوی سبزلانگشتی» به نویسندگی رامین کهن و بهار طاهری و کارگردانی رامین کهن در این تالار روی صحنه می‌رود. در تماشاخانه مهر حوزه هنری، صبح‌ها در نمایش با انتخاب مدارس اجرا می‌شوند. برخی‌روزها نمایش موزیکال «مرد زنجیلی»، نوشته دیوید وود با ترجمه حسین فدایی‌حسین و کار محمدرضا سعادت۱ ویژه مدارس در دونوبت صبح (سانس‌های ۹و ۱۰:۳۰) اجرا می‌شود و بعضی‌اوقات نمایش «قoul می‌دم، بزرگ نشم» نوشته علی‌اکبر پوررسول و کار نرگس اصغری روی صحنه می‌رود. این‌روزها محمد رحمانیان بار دیگر با نمایش «ترانه‌های قدیمی» میزبان علاقه‌مندان است. این نمایش ه‌رشب ساعت ۱۹ در تالار ششم سیران صحنه می‌رود. تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان هم میزبان دو اثر نمایشی است. در نوبت اول این تالار، نمایش «ه‌دیه‌جشن سالگرد»، نوشته افشین هاشمی و کار امیر سفیری ساعت ۱۷:۳۰ اجرا می‌شود. همچنین ساعت ۱۹:۳۰ نمایش «آنسالیفت» به نویسندگی و کارگردانی سیاوش بهادریراد روی صحنه می‌رود. نمایش‌های «بازیچکان»، نوشته کوان‌مهر اسماعیل‌پور و کار حسن رونده ساعت۱۸ و «سلام خداحافظ»، نوشته هما علیزاده و کار میکائیل شهرستانی ساعت ۲۰ در سالن گوشه نیاوران اجرا می‌شوند. نمایش «شایعات» به نویسندگی نیل سایمون و کارگردانی ساجلی تاجیخسن میهمان سالن کوچک تالار محراب در ساعت ۱۸:۳۰ نمایش «خشم شدید فیلیپ هوتس» به نویسندگی ماکس فریش و کارگردانی بورژین عبدالزاقی تا ۱۵اسفند، ساعت ۱۸:۳۰ در تماشاخانه‌ای‌آو به اجرا درمی‌آید. این نمایش جمعه این هفته به کار خود پایان می‌دهد. نمایش «انسانام آرزوست» به نویسندگی محمد قدیم‌آبادی و کارگردانی پوریا عیدی ه‌رشب ساعت ۱۹:۳۰ در تئاتر باربد روی صحنه می‌رود. این‌روزها تماشاخانه سنقطه از چهاراثر نمایشی میزبانی می‌کند: نمایش‌های «دریسته» نوشته ژان پل سارتر و کار مریم امینی ه‌رشب ساعت ۲۰، «هم‌خونه»، نوشته لیدا شیرمرد و کار علی حیدری ه‌رشب ساعت ۲۰ در تالار خسرو شکیبایی روی صحنه می‌روند. همچنین در تالار استاد رکن‌الدین خسروی، نمایش «مضحکه مرگ یزدگرد»، نوشته مهدی دهقان و کار رضا بهارلو ساعت ۱۸:۳۰ و نمایش «غرب‌غزه» به نویسندگی مارتن مک‌دونا و کارگردانی رامین صادقی ساعت ۲۰:۳۰ در سالن تماشاخانه سن‌قطه اجرا می‌شوند. نمایش «شک‌ها می‌رسد»، نوشته سیدعلی معتمدی و کار سیدبهرام سروری‌نژاد در نوبت ۲۰:۳۰ روی صحنه می‌روند. «دهانی پر از کلاغ» نوشته جمشید خانیان و کار قاسم عبداللّهی هرروز ساعت ۱۷:۱۵، نمایش «زمستان۶۶»، نوشته محمد یعقوبی و کار علی جعفری ساعت۱۸ و «کدام‌یک‌قاب، زندگی من است»، نوشته گروه تئاتر ربا و کار امیر زرنالی، ساعت ۲۱ در سالن استاد فنی‌زاده اجرا می‌شود. نمایش «اعتراقاتی درباره زنان»، نوشته محمداامیر یاراحمدی و کار کوروش حیدری ه‌رشب ساعت ۱۹:۳۰ در تالار هنر و اندیشه اجرا دارد. نمایش‌های «الماسکه»، نوشته و کار شادی فرهادی ساعت ۱۸ و «گفت‌وگوی فراریان»، نوشته محمد زارعی و کار میلاد شجره ساعت ۲۰ در تماشاخانه موج‌نو اجرا می‌شوند. تماشاخانه بازگه‌ها میزبان نمایش «۳چرخه»، نوشته فرناندو آرابال و کار مهرزاد بیات در ساعت ۱۸:۱۵ است. همچنین نمایش «آمستردام»، نوشته و کار حمید توانی‌زاده در دونوبت در ساعت ۱۷و۱۶ در پلاتو دادا روی صحنه می‌رود.

حسب‌حال

نمایشی که عقیم شد

لیدا شیرمرد؛ سالان استاد شکیبایی تماشاخانه سن‌قطه آنقدر کوچک است که حتی اگر انتهای سالن هم جلوس کنید، باز هم به آنچه بر صحنه می‌گذرد نزدیکید. بروید هم‌خونه را ببینید. خودتان با چشم خودتان ببینید؛ ببینید نمایش روی صحنه چه مصداق لطیفی است از حدت و شدت عقیم‌شدن، پاره‌شدن و نیست‌شدن. به‌قول دوستی پریرشدن. لطیف از این جهت که باورت نمی‌شود تا کجا می‌توان زمخت و با خشونت ادای دین کرد. ما همه، دین‌هایی داریم؛ بله، من هم این را می‌دانم. مثلا باید مراقب باشیم مبادا در‌های سیاهی چشم می‌بریم. آستین‌است؟ باشد. به ما چه؟ ما می‌بریمش، چرا که شاید به مذاق بعضی خوش نیاید. حالا ماییم هرچایی که کمی بیرون زده باشد را می‌بریم. آستین‌است؟ باشد. به ما چه؟ ما می‌بریمش، چرا که شاید به مذاق بعضی خوش نیاید. حالا ماییم و یک لباس بی‌آستین. کاش داستان فقط به آستین ختم می‌شد؛ اما این لباس یقه هم ندارد. خاک‌برسرم، جیب‌هایش را هم که دریده‌اند! دکمه هم ندارد.

قرار بود نمایشنامه صحبت از آدم‌هایی باشد که در فرآیندی رو به ویرانی دست‌وپا می‌زنند. در همان ظلمت یکی تصمیم می‌گیرد انتخاب کند. آهان، یک توضیح: بیاید اسم یکی از شخصیت‌ها را بگذاریم «یکی»، اسم دیگری هم باشد «آن یکی». کلا دو شخصیت هم بیشتر ندارد. خب، کجا بودیم؟ یکی انتخاب می‌کند. انتخابی که گمان می‌کند راهگشاست. یک تغییر بزرگ است. برای همین می‌خواهد آن یکی برود. آن یکی از بیرون به خانه می‌آید. بیرون شب است، زمستان است، چه‌بسا بیابان هم باشد. آن یکی می‌آید خانه و می‌بیند یکی عزمش را جزم کرده که بیرونش کند. حالا آن یکی به تقلا می‌افتد. دست‌وپا می‌زند برای ماندن. یکی ولی کوتاه نمی‌آید. خانه، خانه پدرش است. می‌خواهد خودش باشد و خودش. شما گُند زده‌اید. خب باید بروید دیگر. اصلا چه ضراری دارید برای ماندن؟ یکی می‌خواهد آن یکی بخوابد. آن یکی هرچه در توان دارد به کار می‌گیرد که بماند؛ وقتی دید ای دل غافل، اوضاع جدی‌جی بغرنج است، به یکی می‌گوید: «باشه، میرم، ولی یادت باشه خدوت خواستی». یکی در جواب می‌گوید: «آره، خدوم خواستم؛ اصلا از همینش هم خوشم میاد.» بقیه‌اش را خودتان ببینید. اصلا به من چه از نمایش عقیم‌شده در حال اجرای همین روز‌ها گفتن؟ من هم دین‌هایی دارم. یکی‌اش این است که مبادا خراشی بیفتد بر همه آنچه پاک و نیک و میرا از بدی است. برای همین عنوان یادداشت‌م را از هم‌خونه، نمایشی که عقیم شد، تغییر می‌دهم به در باب مکاشفه و دارم. یک جایزه یک‌میلیون‌دلاری هم تعیین می‌کنم برای کسی که نمایش را دید و یکی‌یکی بریده‌ها را در دست‌پا می‌بیند. وقتی دیدم مردم به‌خاطر دیدن «گذر از رنج‌ها» شب‌کهای که سریال ترکیه‌ای پخش می‌کند را خاموش کرده‌اند، بسیار خوشحال شدم.



نمایش «حادثه‌ای عجیب برای سگی در شب»، عکس: سلیت تئاتر پیراوری

درامی هیجان‌آور و تکان‌دهنده است که جزئیات مبارزات این شش‌خلبان را علیه نژادپرستی تعریف می‌کند. این درحالی است که آنها همزمان برای دفاع از کشورشان نیز می‌جنگند. نمایش با سخنان گرم یک راوی خوش‌بین آغاز می‌شود که داستان‌هایی براساس حوادث واقعی جنگ و در مورد مردان پرواز تعریف می‌کند؛ اما فراتر از سرفصل‌های یک داستان معمولی می‌رود تا شجاعت و شهامت را در عمق قلب و روح هوانوردان تاسکیگی با‌وجود همه تضادهایی که علیه آنها وجود دارد، نشان دهد. ارمیا جونز انزواطلب که با تکرر در رافتن خویش و تحقیر دیگران سعی در مخفی‌کردن یک راز دارد و برادران کوئنتین و آبراهام دورسی، هسته اصلی نمایش را تشکیل می‌دهند. آنها همراه با تودور فرانکز، پرسپوال نش و الیاس سم، یک واحد منسجم را تشکیل داده و تبدیل به دوستان جدایی‌ناپذیر شده‌اند. شش‌خلبان از اردوگاه ارتش پوتا به «تاسکیگی» در آلاباما فرستاده می‌شوند تا آموزش‌های لازم را دیده و برای مبارزه با مرگ به شمال آفریقا و ایتالیا بروند. صدای راوی از پشت صحنه می‌گوید: «برخی نمایش‌ها آموزنده‌اند. برخی فقط شما را می‌خندانند، تنها تعداد کمی شما را سرگرم می‌کنند. اما فرشتگان سیاه بر فراز تاسکیگی تنها تمام این کارها را با هم انجام می‌دهد بلکه نمایشی الهام‌بخش نیز هست.»این نمایش در مدت دوساعت‌وچهل‌وپنج‌دقیقه (با یک تنفس) اجرا می‌شود. زمانی که بانوی اول النور روزولت پرواز نیم‌ساعته را با مربی غیرنظامی آفریقایی-آمریکایی آل‌فرد اندرسون انجام داد، پرواز تاسکیگی پیشرفت بسیاری کرد و این موضوع تبلیغات خوبی برای برنامه‌های پرواز تاسکیگی شد و توجه بسیاری را نیز به دیدن این نمایش جلب کرد. همچنین موسسه تاسکیگی به دلیل برنامه‌های عالی خود در رشته مهندسی و آموزش خلبانی غیرنظامی، برای آموزش خلبانان جنگی آفریقایی – آمریکایی از طرف دولت انتخاب شد. لاین‌گری، نویسنده و کارگردان نمایش و همچنین بازیگر «نقش کوئنتین» است.



خیلی‌ها به من می‌گویند مثلا قصه خان را از پدر و مادریهام شنیده‌ایم. فرق نویسنده با دیگران در این است که نویسنده به شنیده‌هایش شکل درام می‌دهد.

آیا مشکلاتی در کار مواجه شدید؟

قبل از ساخت بحث و گفت‌وگوهایی داشتیم و همان‌طور که گفت‌م فقط در یک مقطع نزدیک بود که کار ما گره بخورد که خوشبختانه حل شد. در هنگام پخش خوشبختانه با مشکل زیادی مواجه نشدیم، جز در دو مورد؛ مورد اول حذف بخشی از موسیقی آقای عقبلی بود که حیف شد. قطعه بسیار زیبای لالایی در هنگام تولد بچه دنیا بود. مورد دوم که به‌شدت ناراحت‌کردم این بود که در «گذر از رنج‌ها» تا چه حد با محدودیت روبه‌رو بود و اساسا موردی در فیلمنامه بود که درباره آن بحث زیادی با مدیران داشته باشد و دچار جرح و تعدیل شده باشد؟

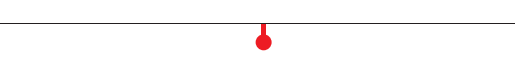
بله، مواردی بود ولی نه آنچنان که مانع پیشرفت کار شود. من قصه زنی را نوشته بودم که چگونه در جریان زندگی از پس مشکلات برمی‌آید. طبیعی بود چون قصه این زن در بستر زمانی و دوره‌ای خاص تعریف می‌شد، به وقایع تاریخی نیز پرداخته شود. من سعی کردم به‌طور واقعی و در اندازه قصه‌ام به وقایع تاریخی بپردازم. در مقطعی به مشکل برخوردم. یکی از دوستان اصرار داشتند که باید به وقایع تاریخی بسیار بیشتر از این پرداخته شود. طوری که در مقطعی نزدیک بود از ادامه کار انصراف دهم. تا اینکه یکی از دوستان مدیر تصمیم گرفت قصه به همین شکل موجود ساخته شود.

آسریال‌های بسیاری تاکنون درباره نقد نظام پهلوی ساخته شده است. در ابتدا قصد داشتید چه بخشی از آن دوران را برجسته‌تر و به‌نوعی آن را نقد کنید؟
همان‌طور که عرض کردم، هدفم تعریف قصه زندگی یک‌زن بود. قصه در ذهن من طراحی شده و شکل گرفته است. ولی طبعاً از بستر اجتماعی آن‌زمان بیرون آمده است. به‌همین‌دلیل است که

تعاملات اجتماعی و ارتباط‌های کلامی و غیرکلامی دارد. بنابراین تماشای آن برای کودکان زیر سن چهارسال توصیه نمی‌شود. منتقد نیویورک‌تایمز، از آن به‌عنوان اثری «هیجان‌انگیز» و «موردستایش» نام برده است و اضافه می‌کند که «حادثه‌ای عجیب برای سگی در شب» یکی از بهترین نمایش‌های فصل است و هرکس که طرفدار تئاتری قدرتمند، مبتکرانه و خلاق است، باید حتماً آن را ببیند. مدت‌زمان نمایش دوساعت‌وچهل‌دقیقه (با یک تنفس) است. کارگردان نمایش، ماریان الیوت، جایزه تونی را برای «اسب جنگی» دریافت کرده. او از تهیه‌کنندگان تئاتر ملی است که به کارگردانی روی آورده و به برادروی نقل‌مکان کرده است. در این نمایش، الکساندر شارپ، نقش کریستوفر را بازی می‌کند. سگی که در داستان به آن اشاره می‌شود، یک نوع سگ شمالوی باهوش است. نمایش «حادثه‌ای عجیب برای سگی در شب» را سیمون استفتز (برنده جایزه اولیویه) نوشته. این اثر برگرفته از رمان معروف نویسنده انگلیسی، مارک هادون (متولد ۱۹۶۲)، برنده جایزه وینبرد است که در سال ۲۰۰۳ منتشر و میلیون‌ها نسخه از آن در سراسر جهان فروخته شد و در فهرست پرفروش‌های نیویورک‌تایمز قرار گرفت. درحالی‌که نمایشنامه دارای پیرنگ خطی است اما رمان اصلی از ترتیب زمانی پیروی نمی‌کند. این رمان را کیتا گرکانی ترجمه و نشر کاروان منتشر کرده است.

فرشتگان سیاه بر فراز تاسکیگی

«فرشتگان سیاه بر فراز تاسکیگی» داستان شش‌مرد را روایت می‌کند که برای پیوستن به نیروی هوایی ارتش ایالات‌متحده گام در سفری پرماجرا نهاده‌اند و با هوشمندی، میهن‌پرستی، برادری و تلاش گروهی در آرزوی جامعه‌ای یک‌دست و عادلانه‌اند. داستان از زمانی آغاز می‌شود که شش‌خلبان آفریقایی-آمریکایی هنگام آموزش برای مأموریت‌های اروپا در خلال جنگ جهانی دوم، قوانین جیم کرو (Jim Crow) را به چالش می‌کشند. «فرشتگان سیاه بر فراز تاسکیگی»



فریدون حسن‌پور، کارگردان «گذر از رنج‌ها»

برای دیدن سریال‌م ماهواره‌ها خاموش شد

سریال‌هاست، موضوع لهجه و گویش است. «گذر از رنج‌ها» در خط‌های از کشور روایت می‌شود که لهجه خاص خودش را دارد. اینکه بخواهید سریال را در منطقه خاصی روایت کنید، شما را دچار تردید نکرد؟
پا به‌دلیل شناختان از این منطقه نگرانی‌ای بابت لهجه نداشتید؟

وقتی فیلمی در شمال ساخته می‌شود و من فرزند همان سرزمینم، بهتر است رنگ و بو و فرهنگ همان منطقه را داشته باشد. اگر کسی لهجه را نشناسد، نباید به سوشش برود. اگر کسی به‌درستی به آن پرداخت، نباید دمام با این سوال تکراری لهجه مواجه شود. اما از ابتدای پخش سریال، صحبت‌های زیادی درباره لهجه در این کار مطرح است و نظرات موافق و مخالف بسیاری مطرح شده. برای رسیدن به گویش مناسب چقدر زمان صرف تمرین بازیگران شد و چرا از بازیگران بومی استفاده نکردید؟

برعکس شما فکر می‌کنم هیچ صحبتی درباره لهجه این سریال نیست. البته به معنی منفی آن. بازیگران را طوری انتخاب کردم که در مرحله اول گیلازی باشند یا اینکه اگر در تهران متولد شده‌اند اقلاً ریشه‌شان شمالی باشد. نمی‌دانم چرا می‌پرسید از بازیگران بومی استفاده نکرده‌ام. اتفاقاً خود بچه‌های بازیگر گیلان می‌گویند بیشترین استفاده را از آنها پرده‌ام. من به آنها نقش‌های اصلی کارم را داده‌ام. بازیگران معروف هم همان‌طور که گفت‌م، همه گیلانی بودند.

مفهوم‌ی که در این سریال به دنبالش بودید چه بود؟
همیشه به این مفهوم می‌انیدیشم که به نسل جوان در فیلم‌ها و قصه‌هایم زندگی سخت قهرمانان را نشان دهم. دوست دارم همه بیاوزیم که در

این‌روزها برادوی میزبان نمایش‌های زیادی است که از بین آنها دونمایش «حادثه‌ای عجیب برای سگی در شب» و «فرشتگان سیاه بر فراز تاسکیگی» توجه مخاطبان را جلب کرده‌اند.

حادثه‌ای عجیب برای سگی درشب

نمایش «حادثه‌ای عجیب برای سگی در شب»، داستان کریستوفر ۱۵ساله را بیان می‌کند که نوجوانی جالب‌توجه و خارق‌العاده است. او دارای مغز حیرت‌انگیز و قدرتمندی است که می‌تواند مسایل پیچیده ریاضیات را با مهارت تمام حل‌وفصل کند اما درمقابل به زندگی عادی و روزمره خویش با مشکلات شدیدی مواجه است. هنگامی که سگ همسایه کشته می‌شود و کریستوفر اولین مظنون ماجراست، او تصمیم می‌گیرد برای کشف و پرده‌برداری از حقیقت ماجرا، شهر کوچک زادگاهش را ترک کرده و سفر هیجان‌انگیزش را به لندن شلوغ و بزرگ آغاز کند. بنابراین راهی سفری می‌شود که برای او پر از شگفتی است، بسیار بزرگ‌تر از آنچه تاکنون تصورش را می‌کرده. این نمایش، هفت جایزه اولیویه از جمله جایزه بهترین بازیگر و همچنین جایزه جلوه‌های نمایشی و طراحی صحنه برتر را به خود اختصاص داده که در آن یک جعبه سیاه شطرنجی که کف صحنه و دیوارها را می‌پوشاند، در طول نمایش با نورپردازی و سایر عوامل مسحورکننده به فضاهای دیگر تبدیل می‌شود. باین‌همه، صحنه نمایش، طراحی ساده و فریبنده‌ای دارد که شامل کاغذ شطرنجی و چند در است. هرکس که داستان‌سرایی عالی همراه با فن نمایش و صحنه‌سازی فراموش‌نشدنی و اجرای احساسی و جذاب را می‌پسندد، حتماً از تماشای این نمایش لذت خواهد برد. برخی از صحنه‌های پیچیده و عاطفی شدید و احساسی در این اجرا وجود دارد. هرچند شرایط روحی و شخصیتی جوان اصلی یعنی کریستوفر دقیقاً بیان نمی‌شود، اما گفته شده که از یک نوع بیماری روحی شبیه به سندرم اسپرگر رنج می‌برد و مشکلات قابل‌توجهی در بهناز شیربائی: پخش سریال «گذر از رنج‌ها» به کارگردانی فریدون حسن‌پور، چندروز است به پایان رسیده؛ سریالی که به گفته سازنده‌اش، مفهوم اصلی آن، چگونگی ایستادگی در مقابل مشکلات است و این مفهوم در مقطعی از تاریخ معاصر یعنی دوران پهلوی روایت شده. چگونگی پرداختن به این ایده و پرورش داستان از جمله پرسش‌های اساسی‌ای بود که با فریدون حسن‌پور در میان گذاشتیم. هرچند که ما دوست داشتیم تا در یک فضای بهتر در مورد این سریال و نقاط ضعف و قوتش با هم صحبت کنیم اما حسن‌پور ترجیح داد سوالات ما را مکتوب پاسخ دهد.

آگویا فیلمنامه «گذر از رنج‌ها» سال‌ها قبل نوشته شده بود و زمانی صرف شد که به مرحله ساخت برسد. دلیل این فاصله زمانی چه بود؟
من با قصه‌نویسی وارد سینما شدم. همان‌طور که قبلاً نیز گفت‌م، اول راهنمایی بودم که نخستین داستان‌م را به یک برنامه ادبی در رادیو گیلان فرستادم و خوانده شد. اولین قصه‌ام را هم در تابلستان بعد از امتحانات سوم ابتدایی نوشتم. من بچه بودم و پدرم به‌دلیل بیماری در جوانی از دنیا رفت. خیلی غمگین و دلشکسته شده بودم. شب‌هنگام نمی‌دانم چرا؟! کاغذ و قلم برداشتم برای خودم در عالم کودکی شعری سرودم. چندروز بعد آن را به یک شاعر محلی که دفتر شعری نیز به چاپ رسانده بود نشان دادم. او به من گفت شعر نگو، قصه بنویس. فردای آن روز با هم از روستا به شهر رفتیم. مرا به دو کتابفروشی برد و معرفی‌ام کرد. قرار شد آنها به من کتاب بدهند که بخوانم و چندروز بعد سالم برگردانم. اولین کتابی که خواندم، «بیست‌وچهار ساعت در خواب و بیداری» صمد بهرنگی بود. یک‌شبه خواندمش و همان شب اولین قصه‌ام را نوشتم. این بود که قصه‌خوانی و قصه‌نویسی کار همیشگی من شد... این مقدمه طولانی را گفتم تا بتوانم پاسخ پرسش شما را راحت‌تر بدهم. به این معنی که در تمام طول زندگی ایده‌ها، قصه‌ها و داستان‌هایی که در کتاب‌ها خواندم و از مردم شنیدم را می‌نوشتم. خیلی از فیلمنامه‌ها و قصه‌هایی را که می‌نویسم، ریشه در سال‌های پیش دارد. طی زمان، قصه‌های کم‌اهمیت‌تر، خودبه‌خود رنگ می‌بازند و از من فاصله می‌گیرند. اما داستان‌هایی هم هستند که همچنان با من می‌مانند. آن‌وقت بی به اهمیت آنها می‌برم، قصه‌هایی که با گذشت زمان زنده می‌مانند، لابد اهمیت تعریف‌کردن را دارند. «گذر از رنج‌ها» هم یکی از آن داستان‌هاست.

آیکی از اتفاقاتی که محل نقد بسیاری از